

## معیارهای سنجش کارآیی مالی در نظام بانکی

### علی یاسری

معاون علمی و پژوهشی موسسه عالی بانکداری ایران

#### مقدمه

جهان مالی و دنیای بانکداری با سرعتی وصف ناپذیر در حال تحول و تکامل است و پیشرفتهای تکنولوژی هر روز افقهای جدیدی را در آسمان آن آشکار می‌سازد، بانکهای منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی در رقابت شدید با یکدیگر و در جهت بسیج منابع بانکی و ارائه خدمات گوناگون به مشتریان اعم از سپرده‌گذاران و دریافت‌کنندگان وام و تسهیلات، گوی سبقت را از یکدیگر می‌ربایند. ورود کارتهای بانکی هوشمند Smart Cards به صحنه که بتدریج جایگزین و در مواردی مکمل کارتهای اعتباری می‌شود، ویا انجام عملیات بانکی به کمک کامپیوتر و تلفن از منزل نمونه‌های بارز پیشرفت سریع تکنولوژی ارتباطات در دنیای بانکداری است.

در زمینه سرمایه‌گذاری و تخصیص منابع نیز نوآوریهای متکی بر مهندسی مالی Financial Engineering سعی در ایجاد و سپس تنوع و تکامل روشها و ابزارهای جدید مالی و بانکی داشته بطوریکه گیرندگان اعتبار با هر نوع سلیقه و نیاز اعم از کوتاه مدت و بلند مدت و با هر میزان تحمل ریسک و رجحان بازدهی بتوانند از انواع وام و اعتبار استفاده نمایند و سرمایه‌گذاران نیز براساس میزان پذیرش ریسک و انتخاب میزان بازدهی خود و درجه مطلوب نقدینگی و قابلیت انتقال اوراق بهادار بتوانند سرمایه‌گذاریهای مورد نظر خویش را انجام دهند.

پیشرفت تکنولوژی ارتباطات دسترسی بانکها به هم و آگاهی از اوضاع یکدیگر را ساده‌تر و سریع‌تر و آگاهی مردم از کارآیی بانکها را محوری اساسی در ارزیابی از موقعیت بانکها نموده است. ارتباط مذکور مستلزم شناخت بانکها از توانایی هم و آشنایی با نحوه عملکرد و ارزیابی یکدیگر است. این توانایی در زمینه ارزیابی از عملکرد مالی بانکها یکی از مشخصه‌های مهم

گسترده‌گی و وسعت ارتباطات بین بانکی است و بنابر این معیارهای ارزیابی کارآیی بانکها اکنون متحدالشکل و جهان شمول شده است تا آنکه هم مردم و هم کارشناسان بانکی بتوانند به راحتی گزارشهای مالی بانکها را مورد بررسی قرار داده و نسبت به برقراری ارتباط مالی با آن تصمیم بگیرند. در این میان بانکها نیز برای استفاده از منابع مالی بازار سرمایه نیاز به مبادله اطلاعات بانکی با یکدیگر دارند تا بر اساس همین معیارهای متحدالشکل و جهان شمول، بتوانند با دید باز و با استفاده از اطلاعات صحیح و شفاف در بازارهای مالی فعالیت نمایند و هر یک در چارچوب امکانات و تواناییها و کارآیی خود، درجه ریسک و هزینه تدارک منابع را به حداقل ممکن و بازدهی تسهیلات اعطاء شده و سرمایه‌گذاریهای خود را به حداکثر برسانند. بدیهی است در این میان بانکهایی که نتوانند گزارشات مالی و سایر اطلاعات ضروری را به نحوی که در جهان مالی امروز رایج است، در اسرع وقت ارائه نمایند، نخواهند توانست ارتباط کاری لازم را با سایر بانکهای مستقر در مراکز عمده مالی جهان برقرار نموده و از تسهیلات مالی بین‌المللی استفاده نمایند.

جدول و نمودارهای ۱ تا ۴، برخی ارقام و اطلاعات مورد نیاز را که یک بانک تجاری فعال در صحنه مالی بین‌المللی بمنظور تبلیغ تواناییهای خود ارائه می‌نماید، نشان می‌دهد، بانک ملی قطر بزرگترین بانک این امیرنشین خلیج فارس است که از نظر ارزش کل دارائیه‌ها همردیف یکی از بانکهای متوسط کشور ماست و ارقام و اطلاعات مذکور از آخرین آگهی و بروشور این بانک اخذ شده است. همانطور که از جدول ۱ ملاحظه می‌گردد، کل دارائی، سرمایه و سود بانک همراه با نسبتهای کلیدی متداول در مدیریت مالی نظیر نسبت بازدهی دارائی، نسبت بازدهی سرمایه، نسبت کارآیی، تعداد کارمندان و شعب بانک در یک جدول برای استحضار عموم ارائه گردیده است.

در نمودارهای دیگر درجه اعتبار مالی بانک به گواهی سازمانهای بین‌المللی متخصص در درجه‌بندی اعتباری موسسات پولی و مالی و بازرگانی، فعالیت بانک در صحنه مالی بین‌المللی بمنظور تدارک وام، تسهیلات و سرمایه برای مشتریان و بالاخره موقعیت سهام بانک در بورس سهام قطر و اینکه این سهام چقدر بازدهی و سود برای دارندگان آن سهام در برداشته، آمده است. در این مورد و در رابطه با جدول یک، اگر ملاک مقایسه با یک بانک ایرانی را میزان کل دارائیه‌های بانک تعیین کنیم، یکی از بانکهای متوسط ایرانی (بانک شماره ۱) با حدود ۵ میلیارد دلار سرمایه (نرخ تبدیل ریال به دلار از قرار هر دلار معادل ۳,۰۰۰ ریال) در همان ردیف قرار می‌گیرد. سرمایه این بانک ایرانی ۱۹۳ میلیون دلار، سود خالص در سال ۱۳۷۴ حدود ۲ میلیون دلار و سود قبل از مالیات ۱۳/۵ میلیون دلار، تعداد کارمندان حدود ۱۵۰۰ کارمند و تعداد شعب ۱۴۰۰ شعبه (۳ شعبه در خارج از کشور) است. تفاوت شدید در ارقام مذکور نمایانگر جایگاه متفاوت اولویتها در عملکرد این دو بانک است. به عبارت دیگر بانک ملی قطر که باید به

سهامداران خود پاسخگو باشد با تعداد ۵۵۰ کارمند و ۲۲ شعبه داخلی و خارجی حدود ۹۰ میلیون دلار در سال ۱۹۹۶ برای صاحبان سهام سود خالص فراهم آورده است ولی بانک ایرانی که دولتی است و در شرایط فعلی نیازی به پاسخگویی به مرجعی را در مورد سوددهی ندارد، با ۱۵۰۰۰ کارمند و ۱۴۰۰ شعبه فقط ۲ میلیون دلار سود بعد از مالیات و ۱۳/۵ میلیون دلار قبل از مالیات برای صاحبان سهام خود که دولت است سود کسب کرده است. (این ارقام از آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان (۱۳۷۴) بانک مذکور اخذ شده است.)

### مشکلات و محدودیتهای بررسی

در این بررسی سعی شده است که با استفاده از آخرین صورتهای مالی و گزارشات منتشر شده بانکهای ایرانی، معیارهای کلیدی مقایسه در سطح بین‌المللی استخراج و ارائه گردد. در محاسبه بعضی از معیارهای سنجش کارایی، اقلام دارائی و بدهی و سرمایه بانک با ضرایب مشخصی که بیان‌کننده ریسک ملحوظ در آن است مورد استفاده قرار گرفته است. این ضرایب ریسک توسط کمیته بانکداری بانک تسویه‌های بین‌المللی مستقر در شهر بال Basle سوئیس معرفی شده است. چون سرفصلهای حسابهای دفاتر کل بانکهای ایرانی هنوز با ضوابط بین‌المللی منطبق نشده است و بنابر این اقلام مندرج در ترازنامه هم با ضوابط فوق انطباق کامل ندارد، از این رو به ناچار در مورد برخی از ارقام تخمین‌ها و فرضهایی قایل شدیم تا امر انطباق انجام گیرد که بر این اساس نسبتها و ارقام ارائه شده تقریبی است، البته با راهنمایی و مدیریت نظارت بر بانکهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانکهای ایرانی از سال گذشته به امر انطباق سرفصلهای دفاتر کل خود با ضوابط بانک تسویه‌های بین‌المللی همت گماشته و اقدامات سودمندی تاکنون انجام شده است که بزودی نتایج آن در گزارشهای مالی بانکها آشکار خواهد شد.

با توجه به درجه تقریبی که بنابه دلایل فوق در ارقام وجود دارد، ضوابط ارائه شده در این مقاله باید تنها بعنوان حدنصابی که دست یافتن به آن کمال مطلوب است، تلقی گردد، ولی حتی در صورت عدم دسترسی به آن، مقادیر نزدیک به آن حدنصاب نیز بعنوان عملکرد مورد قبول و پذیرفته شده تلقی می‌گردد و تنها اگر اختلاف عملکرد بانک با آن حدنصاب، برای مدتهای طولانی همچنان زیاد باقی بماند باید نسبت به رفع آن چاره‌اندیشی کرد. به بیان دیگر معیارهای ذکر شده صرفاً باید بعنوان یک نماگر مطلوب ولی تقریبی مورد عنایت قرار گیرد.

دیگر اینکه حتی اگر بین عملکرد بانکهای تجاری ما به معیارهای مذکور بعضاً موارد اختلاف زیادی مشاهده می‌گردد این نکته نباید ملاک قضاوت در مورد عملکرد مدیریت بانکهای ایرانی محسوب گردد زیرا این بانکها از لحاظ ساختاری در شرایطی عمل می‌کنند که برخی خصیصه‌های

برون‌زا نظیر دولتی بودن کامل شبکه بانکی، اجبار به پرداخت اعتبارات تکلیفی با سودهای پائین و سوبسیدی و عدم استقلال نسبی بانک مرکزی، شرایط خاصی را برای آنها بوجود آورده است و در چارچوب این شرایط هر نوع ارزیابی در مورد مسئولیت مدیریت بانک کاری بسیار دشوار و به دور از واقعیت جلوه‌گر می‌شود و بهر حال قصد این مقاله به هیچ وجه اظهار نظر نسبت به عملکرد مدیریت بانکهای تجاری ایرانی نیست.

نکته بعدی اینکه بانکهای تخصصی در ایران در این مطالعه گنجانده نشده‌اند زیرا معیارهای عملکرد آنها تا حدودی با ضوابط عملکرد بانکهای تجاری تفاوت دارد و بررسی عملکرد آنها مطالعه جداگانه‌ای را طلب می‌کند. شش بانک تجاری ایران با شماره‌های ۱ تا ۶ مشخص شده‌اند زیرا منظور این بررسی مقایسه بانکهای ایرانی با یکدیگر نیست بلکه مروری بر عملکرد مالی آنها با در نظر گرفتن روند مطلوب عملکرد بانکها در سطح بین‌المللی است و به همین منظور سعی شده است حتی‌المقدور متوسط عملکرد بانکهای خارجی نیز بعنوان مبنای مقایسه آورده شود.

در تهیه جداول، برخی از اقلام ترازنامه با ضرایب ریسک تعدیل گردیده و این ضرایب ریسک همانی است که کمیته بانکداری بانک تسویه‌های بین‌المللی مستقر در شهر بال سوئیس برای محاسبه نسبت کفایت سرمایه و نسبت نقدینگی بانکهای تجاری اعلام نموده است.

دولتی بودن کامل شبکه بانکی در ایران نباید بعنوان عاملی تلقی شود که معیارها و ضوابط سنجش عملکرد را از سایر بانکهای خصوصی متفاوت می‌سازد زیرا از نظر سوددهی، نقدینگی، کفایت سرمایه، بهره‌وری کارمندان و غیره هر بانکی اعم از دولتی یا خصوصی مسئولیت مشابهی دارد و مثلاً اگر یک بانک دولتی ضرر و زیان ببار آورد، جبران این ضرر نهایتاً بر دوش افراد کشور است که باید از طریق تحمل کسری بودجه دولت، پرداخت مالیات بیشتر، کاهش یارانه‌های ضروری بابت کالاهای اساسی، تورم تشدید شده در کشور و بنابر این کاهش سطح زندگی، بهای آن را پرداخت نمایند.

همچنین اینکه بانک، بانک اسلامی و بدون بهره است یا بانک غربی مبتنی بر بهره (سنتی)، کاربرد معیارهای مذکور را تغییر نمی‌دهد و اگر چه در بانکهای بدون بهره ریسک‌های معاملاتی ملحوظ در عملیات بانکی تا حدودی بین بانک و مشتری اعم از سپرده‌گذار و گیرنده اعتبار تقسیم می‌گردد، در حالیکه در بانکهای سنتی تمام سنگینی ریسک بر دوش مشتری بانک است، ولی بهر حال با توجه به اینکه بانکهای بدون بهره نیز عموماً بعنوان واسطه وجوه تلقی شده و بخش اعظم اعتبارات پرداختی آنان براساس روش فروش اقساطی یا مابحه قرار دارد که بموجب آن میزان سود ثابت و از قبل مشخص می‌شود و از این لحاظ عملیات بانکی آنها تا حدودی شبیه به عملیات بانکهای سنتی می‌شود، معیارهایی از قبیل کفایت سرمایه و سایر معیارهای سنجش کارایی شامل آنها نیز می‌گردد. ضوابط و معیارهای بکار گرفته شده در این بررسی تنها یکی از انواع ضوابط



متعددی است که امروز در دنیای مالی از آن استفاده می‌شود و البته ضوابط و معیارهای دیگری نیز وجود دارد که در این بررسی نیامده است. معیارهای مورد استفاده در این مقاله کاربرد وسیعی در تحلیلهای مالی دارد و در دستورالعمل‌های نظارتی کمیته بانکداری بانک تسویه‌های بین‌المللی بدان استناد شده است.

نکته آخر اینکه این ضوابط تنها برای یک سال یعنی سال ۱۳۷۴ که تاریخ آخرین گزارشهای منتشر شده بانکهای تجاری ایرانی است تعیین شده و ممکن است اینطور استدلال شود که سال ۱۳۷۴ ممکن است که احتمالاً یک سال خاص و با ویژگیهای مخصوص بخود بوده باشد و برای یک تحلیل کامل باید چند سال متمادی ملاک محاسبه واقع گردد. ضمن قبول منطق این استدلال، باید ذکر شود که روند چند سال اخیر عملکرد مالی بانکهای تجاری ایرانی تا حدودی یکنواخت بوده و سال ۱۳۷۴ ویژگی خاصی نسبت به سالهای قبل از آن نداشته است، با این تفاوت که سود بانکهای مورد مطالعه نسبت به سال ماقبل حدود ۵۰ درصد کاهش یافته است.

#### ۱- معیارهای سودآوری

جدول ۲ نمایانگر نسبتهای بازدهی دارایی است که عبارت است از نسبت سود خالص پس از کسر مالیات در مقایسه با کل دارایی. همانطور که از جدول مشاهده می‌شود عملکرد بانکهای تجاری ایرانی در سال ۱۳۷۴ مطلوب نبوده است. سودآورترین بانکهای ایرانی در سال مورد اشاره بانکهای شماره ۲ و ۵ است که با حدود ۰/۱۱ درصد نسبت بازدهی دارایی، حدود ده برابر با نسبت متعارف بین‌المللی که ۱ درصد است فاصله دارد و بانک شماره ۳ اصولاً زیان داده است. در همین رابطه متوسط عملکرد بانکهای آمریکایی و انگلیسی در سال ۱۹۹۳ مورد مقایسه قرار گرفته که سوددهی بانکهای آمریکایی در این سال بسیار نزدیک به حد نصاب بوده است. سودآوری بانکهای آسیایی از حد متعارف بین‌المللی بهتر بوده است. بانک بومی پوترا دومین بانک بزرگ مالزی از نظر حجم دارایی است و با حدود ۱۸ میلیارد دلار دارایی از بزرگترین بانک تجاری ما که حدود ۱۱ میلیارد دلار دارایی دارد، بزرگتر است. بانک گالف بحرین هم با حدود ۹ میلیارد دلار دارایی اندکی کوچکتر از بزرگترین بانک ایرانی است و بانک ملی قطر هم که قبلاً به آن اشاره شد با حدود ۵ میلیارد دلار دارایی در ردیف بانکهای متوسط ما قرار دارد. بعنوان یک نکته اضافی باید ذکر شود که بعنوان مثال بانکهای مالزی در سال ۱۹۹۶ بطور متوسط ۲۷ درصد سود قبل از مالیات خود را نسبت به سال ما قبل یعنی سال ۱۹۹۵ افزایش دادند در حالیکه در سال ۱۳۷۴ متوسط میانگین سود بانکهای تجاری ایرانی نسبت به سال ۱۳۷۳ حدود ۵۰ درصد کاهش یافت. در سال ۱۹۹۶ میزان تورم در مالزی ۳/۶ درصد و در کشور ما در سال ۱۳۷۴ نسبت تورم ۴۹/۴ درصد بود. در جدول ۳ نسبت بازدهی سرمایه نشان داده شده است که نسبت سود خالص پس از

مالیات در مقایسه با حقوق صاحبان سهام یعنی سرمایه بانک بعلاوه اندوخته‌های مختلف است. در این جدول هم بانکهای ۲ و ۵ سودآورترین بانکهای ایرانی بودند ولی با حد متعارف بین‌المللی یعنی ۱۵ درصد فاصله زیادی دارند.

در جدول ۴ نسبت کارایی یعنی مقایسه هزینه‌های عملیاتی با درآمد ناخالص عملیاتی بانک محاسبه شده است. این نسبت نشان می‌دهد هزینه‌های عملیاتی چند درصد از درآمدهای ناخالص بانک را شامل می‌گردد و بدیهی است این نسبت هر قدر کمتر باشد، کارایی مالی بانک و سودآوری آن بیشتر می‌گردد. برعکس بالا بودن این نسبت تاثیر منفی بر سوددهی خواهد داشت و در آن صورت، روشهای مختلف صرفه‌جویی بمنظور کاهش هزینه‌های عملیاتی و یا روشهای افزایش درآمد و یا آمیزه‌یی از هر دو باید اعمال گردد، نسبت کارایی یکی از معیارهای کلیدی در تجزیه و تحلیل مالی شرکت‌های خدماتی از جمله بانکها محسوب می‌گردد. جدول ۴ نشان می‌دهد نسبت کارایی مالی بانکهای ایرانی بیش از حد متعارف بین‌المللی و متوسط بانکهای آمریکایی و انگلیسی است. حتی در یک مورد یعنی بانک شماره ۳ این نسبت ۱۲۷ درصد است که فزونی هزینه بر درآمد و در نتیجه زیان دهی بانک را نشان می‌دهد.

جدول ۵ آخرین معیار سوددهی بانکها رامشخص می‌کند، همانطور که از مفاد این جدول استنباط می‌شود متوسط میزان سود دریافتی و پرداختی هر بانک بابت تسهیلات اعطایی و سپرده‌های سرمایه‌گذاری اعم از کوتاه مدت و بلند مدت با هم مقایسه شده است. در مورد بانکهای ۱ و ۳ درصد یا نرخ سود پرداختی مشخص نشد و در مورد بانک ۶ میزان سود دریافتی کمتر از سود پرداختی بود که نشان می‌دهد این بانک از بابت عملیات بانکی متضرر گردیده و سود نهایی خود را از محل سرفصلهای دیگر نظیر سرمایه‌گذاریها بدست آورده است. سود عملیاتی بانک از تفاوت دو میزان سود یعنی سود دریافتی و پرداختی تامین می‌گردد. علت نزدیک بودن این دو نسبت و حتی در یک مورد فزونی نرخ سود پرداختی بر سود دریافتی به احتمال زیاد وجود اعتبارات تکلیفی است که بانکها را مکلف می‌کند با نرخهای سود مشخص و سوبسیدی، اعتبارات مورد نظر دولت و مجلس شورای اسلامی را در اختیار موسسات خاصی قرار دهند در حالیکه همین بانکها بعضاً باید تا ۱۸/۵ درصد در سال به سپرده‌گذاران بلندمدت خود سود پرداخت نمایند. قبل از آنکه بحث سودآوری را به پایان بریم لازم است به این نکته اشاره شود که اگر سهام بانکهای مامورد خرید و فروش واقع می‌گردید، ضعف سوددهی آنها بطور قطع باعث افت شدید ارزش سهامشان در بورس می‌گردید، وضعیتی که هم اکنون درمورد بسیاری از شرکتهای پذیرفته شده در بورس سهام تهران مصداق یافته است.

## ۲- نسبت کفایت سرمایه

کافی بودن میزان سرمایه برای هر واحد مالی حائز اهمیت فراوان است تا آنکه بتوانند ضرر و زیانهائی را که در مواردی بروز می‌کند، بدون ایجاد وقفه در عملیات، جذب کنند. صاحبان سهام از طریق حقوق خود در هر شرکت که عبارت است از: سرمایه، انواع اندوخته‌ها و خالص سود یا زیان انباشته شده، نهایتاً باید جوابگوی ریسکهای ناشی از عدم کفایت سرمایه باشند. حال اگر یک موسسه‌ای دولتی باشد، این ریسک به دولت منتقل می‌شود. سرمایه کافی در عین حال به سپرده‌گذاران در مورد قابل اعتماد بودن بانک، اطمینان کافی می‌دهد.

کمیته بانکداری بانک تسویه‌های بین‌المللی BIS، بمنظور محاسبه درجه کفایت سرمایه، برای ارقام دارایی و سرمایه بانک، درجات یا ضرایب متفاوت ریسک را تعیین کرده است. برای این منظور سرمایه به دوبرخش یک و دو تقسیم شده است. بخش یک سرمایه عبارت از سرمایه و سهام پرداخت شده، سهام ممتاز، اندوخته‌های عمومی، سایر اندوخته‌ها و سود یا زیان تقسیم نشده و بخش دو شامل اندوخته‌های بابت تجدید ارزیابی دارائیهای ثابت و اندوخته‌های اعلام نشده و برخی ارقام دیگر است. همینطور در مورد ارقام دارایی بانک نظیر وامها و تسهیلات اعطایی، اوراق بهادار و غیره ضرایب مختلف ریسک تعیین گردیده است که این ضرایب در محاسبه نسبت کفایت سرمایه بانکهای ایرانی منظور گردیده است جز در مواردی که سرفصل حسابهای بانک با سرفصلهای پیشنهادی بانک تسویه‌های بین‌المللی مطابقت دقیق نداشت که ناچار از توسل به فرض و برآورد شده‌ایم که همین امر تقریبی بودن معیارهای فوق را بار دیگر مورد تاکید قرار می‌دهد. بر اساس این معیارها نسبت ۸ درصد حد کفایت سرمایه بانک در مقایسه با دارائیهای با احتساب ضرایب ریسک تعیین گردیده و بر همین اساس در جدول ۶ ارقام مختلف ارائه گردیده است.

همانطور که ملاحظه می‌شود بجز بانکهای ۲ و ۶، سایر بانکهای تجاری ایرانی دارای سرمایه در حد کفایت بین‌المللی یا بیشتر می‌باشند. نسبت کفایت سرمایه در واقع ضابطه‌ای است برای آنکه مشخص گردد هر بانک با توجه به مجموعه عوامل اقتصادی حاکم بر کشور و با توجه به میزان دارائی، تا چه حد باید سرمایه داشته باشد تا آنکه ریسکهای مالی موجود را پوشش داده و برای صاحبان سهام اعم از دولت و یا بخش خصوصی، اطمینان خاطر ایجاد کند. در همین مقوله باید متذکر شد که یکی از اشکالات محاسبه و مقایسه این ارقام تاکنون روشهای حسابداری و سرفصلهای حسابهای بانکها بوده است که بعضاً تفسیر یکدست و صحیح از این حسابها را دچار مشکل می‌نمود و از این رو بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اکنون سرفصلهای جدیدی را مطابق با روشها و استانداردهای بین‌المللی حسابداری به بانکها پیشنهاد کرده است که بر شفافیت حسابها خواهد افزود و امر تفسیر و مقایسه گزارشهای مالی بانکها را یکدست و قابل

مقایسه بین‌المللی خواهد کرد و هم اکنون خوشبختانه کلیه بانکهای کشور در حال مطابقت دادن سرفصلهای حسابهای خود با ضوابط پیشنهادی جدید هستند.

### ۳- نقدینگی

جدول ۷ درجه نقدینگی بانکها را نشان می‌دهد. برای محاسبه درجه نقدینگی، ضرایبی مطابق با استانداردهای بین‌المللی از نظر ریسک ملحوظ در هر قلم دارائیه‌ها و بدهیهای کوتاه‌مدت و نقدپذیر بکار گرفته شده و بر آن اساس نسبت دارائیه‌های نقدپذیر به بدهیهای کوتاه‌مدت محاسبه شده است. بدهی است این نسبت باید لااقل یک یا صد در صد باشد و نسبتهای بیش از ۱ نشان دهنده توانایی بانک در تادیه بدهیهای خود و نسبتهای کمتر از ۱ فقدان این توانایی را نشان می‌دهد. به استثنای بانک شماره ۱ در سال مورد نظر سایر بانکهای تجاری ایرانی از نقدینگی خوبی برخوردار بودند. البته باید اضافه کرد که نقدینگی بالاتر از حدود متعارف در سودآوری بانک تاثیر سوء خواهد داشت و از آن رو باید توازنی بین درجه نقدینگی مطلوب و سوددهی بانک برقرار باشد.

### ۴- بهره‌وری کارکنان

هزینه پرداخت حقوق و دستمزد یکی از اقلام مهم هزینه‌های موسسات مالی را شامل می‌گردد و سعی و کوشش معمولاً بر این است که با حداقل کردن این هزینه و استفاده از عامل تکنولوژی، تولید، خدمات و درآمد به ازاء هر کارمند تحت تاثیر منفی قرار نگیرد تا آنکه سود موسسه افزایش یابد. در جداول ۸ و ۹ مقایسه‌ای از این بابت انجام شده است.

در جدول ۸، سود و هزینه سرانه کارمندان بانک محاسبه شده است. سود بانک به ازاء هر کارمند، سهم هر کارمند را در سود حاصله نشان می‌دهد و همانطور که ملاحظه می‌گردد بانکهای ۱، ۶ و تا حدی بانک ۲ در این مقوله جلوتر از بانکهای دیگرند. هزینه پرسنلی به ازاء هر کارمند، جمع هزینه‌های بانک بابت حقوق و مزایا و سایر پرداختها را نمودار می‌سازد و از این بابت هم بانکها کم و بیش در یک ردیف قرار دارند به استثنای بانک ۳.

جدول ۹ نشان می‌دهد هزینه پرسنلی چند درصد از درآمد بانک رابه خود اختصاص می‌دهد. هر اندازه این نسبت پائین‌تر باشد بهره‌وری کارمندان بیشتر است که البته اتوماسیون کارها در بانک یکی از روشهای رسیدن به این بهره‌وری مطلوب است، مقایسه با بانکهای اروپایی و آمریکایی نشان می‌دهد که در این زمینه بانکهای ایرانی می‌توانند قدمهای موثرتری بردارند.



## نتیجه گیری

در یک تصویر مقطعی که از حسابهای مالی بانکها در سال ۱۳۷۴ ارائه شد وبا توجه به تقریبی بودن ملاکهای ارزیابی و لزوم رعایت احتیاط در هر نوع تفسیر و نتیجه گیری، آنچه که بطور بارزی جلوه می کند فاصله نسبتاً زیاد بانکهای تجاری ایرانی نسبت به بانکهای خارجی و استانداردهای بین المللی از نظر کمبود میزان سوددهی است. در موارد دیگری نظیر کفایت سرمایه، نقدینگی و تعداد و هزینه کارکنان، بانکهای ایرانی فاصله کمی با بانکهای خارجی دارند و با اندکی تلاش و انجام اصلاحات مالی می توانند به آسانی به حد نصاب مطلوب دست یابند. البته تعداد کارکنان بانکها و هزینه های پرسنلی از استانداردهای رایج بین المللی زیادتر است وبا توجه به برنامه های اتوماسیون و بهبود روشهای انجام کار در بانکها که هم اکنون با همکاری انفورماتیک بانکها در دست انجام است، انتظار می رود این افزایش هزینه متعادل گردد و از همین تعداد کارکنان بانکها استفاده بهینه بعمل آید.

پائین بودن سطح سوددهی بانکها بدون شک معلول لااقل دو عامل مهم است: اول اعتبارات تکلیفی که هر بانکی را مکلف می کند مبالغ زیادی از سپرده های مردم را با نرخهای سود پائین تر از نرخ تورم در اختیار افراد و موسسات دولتی مشخصی قرار دهد. دوم تعیین نرخ سود تسهیلات و اعتبار بصورت اداری و توسط دولت و بدون امعان نظر به عوامل اقتصادی عرضه و تقاضای اعتبار در بازار بدان معنی است که حتی در مورد اعتبارات غیر تکلیفی و آزاد، بانکها ناگزیرند بدون توجه به نتیجه نهایی و سود قطعی مشارکتهایی که در قالب عقود اسلامی با مردم انجام می دهد، یک نرخ سود از قبل تعیین شده و پائین تر از نرخ تورم را طبق نظر شورای پول و اعتبار بعنوان سود قطعی تسهیلات از گیرنده اعتبار دریافت نمایند و در نتیجه با چند درصد اختلاف، سود کمتری را نیز به سپرده گذار خود بپردازند. در یک چنین شرایطی توزیع منابع اعتباری، یک توزیع اداری و دولتی خواهد بود نه یک تخصیص اقتصادی، بعلاوه چون نرخ سود تسهیلات پائین تر از نرخ تورم است، وام گیرنده نفع می برد زیرا سودی که از بابت کاربرد وام و اعتبار مذکور نصیب او می شود به مراتب بیش از نرخی است که به بانک بابت استفاده از آن اعتبار می پردازد، دولت هم ناگزیر است مالیات آن وام گیرنده را بر مبنای نرخ سود بانک حساب کند و نه سود واقعی که وام گیرنده نصیب خود کرده است. سوددهی بانک تحت فشار قرار می گیرد و در واقع بانک از دریافت سود حقه خود باز می ماند. سپرده گذار هم که در سود حقه بانک با او شریک است ناچار است مبلغ کمتری را دریافت نماید و شاهد کاهش قدرت خرید سپرده های خود باشد.